

# رادیو زبان حکومت

● گفت و گو با دکتر معین افشار



□ حضور شما در برنامه‌ی کودک چند سال طول کشید؟  
● از سال ۳۷ تا سال ۴۶، که در اوائل تابستان ۴۶ برای  
معالجه‌ی مجبور به مسافرت یک ماهه به خارج از کشور شدم



برنامه را جوری باید درست کرد که مردم جذب شوند. بدترین امری که ممکن است در برنامه سازی بوجود بیاید این است که مردم فکر کنند شما برنامه را برای خودتان درست می کنید، نه برای آنها.

در نوشتن متن برنامه «صدای عدالت» سعی شده بود موارد نیاز جامعه و موضوعاتی که مردم دائماً با آنها سرو کار دارند به همراه پاسخ مسئله بیان شود.

پاسخ مسئله بیان شود. به همین دلیل هم به علت اینکه مسائل حقوقی، بسیار ساده و روان و به صورت نمایشنامه و نه مبحث حقوقی ارائه می شد، مورد توجه فراوان مردم واقع شد. این برنامه ی حقوقی که نامش «در پیشگاه عدالت» بود، تا پنج سال با استقبال عمومی ادامه داشت. تا اینکه با تفسیر مقامات رادیو، این برنامه هم به میزگرد حقوقی و کلا و حقوق دانان تبدیل شد، که به هیچ وجه برای مردم جالب و جذاب نبود. و ضمناً به دلیل نداشتن سواد و اطلاعات کافی آقایان، اشتباهات فراوانی در این برنامه وجود داشت؛ که در نتیجه عمر این برنامه را بسیار کوتاه کرد.

غیر از برنامه ی حقوقی و کودک دیگر چه برنامه های داشتید؟

همزمان با پخش برنامه ی «در پیشگاه عدالت» از من خواسته شد برنامه ای برای کارگران بنویسم. من هم برنامه ای شامل دو بخش که راجع به مقررات کار بود تهیه کردم. بخش اول برنامه پاسخ به نامه های کارگران بود که معمولاً راجع به قانون کار و بیمه های اجتماعی آن زمان سؤال شده بود.

و در بخش دوم برنامه هم قوانین مربوط به کار به صورت نمایشنامه های کوتاه پخش می شد. که این برنامه هم تا سال ۵۷ ادامه داشت.

برنامه ی دیگری که من برای رادیو نوشتم، برنامه ی «نسل آینده» بود که به صورت نمایشنامه به بررسی روابط اولیاء و مربیان و فرزندان می پرداخت. با این تفاوت که این نمایشنامه ها طولانی تر و به صورت هنگی در میسان هفته پخش می شد که کم کم به دلیل انتخاب انجمن اولیاء و

بعد به عنوان سررئیر کمیته ی نمایشنامه ها و برنامه های مذهبی مشغول به کار شدم.

کمی در مورد این برنامه های مذهبی توضیح بدهید.

آقای دکتر تسلیمی سرپرست رادیوی آن زمان که بسیار فاضل و فرهیخته بودند، عقیده داشتند که در فرهنگ ما موسیقی مذهبی وجود دارد و ما باید در برنامه های مذهبی از آنها استفاده کنیم. بعد از آن قرار شد موسیقی ها را به دلیل کیفیت پایینی که داشتند به نوازندگان که بهتر می نواختند بدهند، تا با اجرای مجدد و کامل تر، حس موجود در این موسیقی ها را عمیق تر به شنونده القا کنند.

و از این جا بود که موسیقی به برنامه های مذهبی راه یافت.

برنامه های حقوقی تان چگونه بود؟

تا قبل از سال ۳۷ که من وارد رادیو شدم هیچ برنامه ی حقوقی از رادیو پخش نمی شد. به پیشنهاد من برای ایجاد چنین برنامه ای، یک نمونه از متن برنامه را به صورت نمایشنامه نوشتم و ضبط کردیم. یادم می آید که نمایشنامه به این ترتیب بود که کسی بعد از خرید پارچه ای متوجه خرابی قسمتی از پارچه می شود و نقاضای برگرداندن آنرا می کند اما فروشنده، کارخانه را مقصر این امر می داند، کار هر حال با مراجعه ی به دادگاه معلوم می شود که خریدار هم می تواند پارچه را به فروشنده پس بدهد و هم می تواند تفاوت قیمت سالم با ناسالم را از فروشنده بگیرد. چون فروشنده مسؤول بود و بایست در هنگام خرید جنس از کارخانه دقت کافی داشته تا جنس معیوب تحویل نگیرد.

در نوشتن متن ها سعی شده بود موارد نیاز جامعه و موضوعاتی که مردم دائماً با آنها سروکار دارند به همراه



**رادیو کنار نمی‌رود، چون خصوصییتی دارد  
که دیگر رسانه‌ها از آن بی‌بهره‌اند.  
و آن این است که استفاده بردن از رادیو  
و شنیدن آن لطمه‌ای به کار و فعالیت فرد نمی‌زند.**



حکومت است و نمی‌شود از طریق رادیو از حکومت انتقاد کرد. و چون می‌دانستم که عملی کردن این کار اجباری است؛ پذیرفتم. و در برابر اصرار من به تشکیل کمیته‌ای که آنها هم در برنامه نقش داشته باشند، آقایان دکتر راسین و عظیمی به عنوان همکار من در برنامه انتخاب شدند. و بعد از حذف و اضافات فراوان در متن، نهایتاً قرار بر این شد که بیان قسمت انتقاد به عهده من و به عنوان نظریات شخصی‌ام باشد.

بلاخره این برنامه با نام «ایران در حال تحول» در برابر تعجب فراوان مردم در ده، دوازده قسمت اجرا شد. و در حقیقت این اولین برنامه‌ای بود که به نقدسازمان‌های اداری و حکومتی، آن هم به صورت بسیار تند و حاد می‌پرداخت.

مجموعاً در سال‌های قبل از انقلاب آبا برنامه‌ای در رادیو بود که مسؤولین را بیابرد و سؤالات مردم را از آنها بپرسد و یا از دستگاه‌های اجرایی انتقاد کند؟

خیر، به هیچ وجه چنین چیزی نبود. در واقع میکروفون رادیو در استودیو یوزاومیان مردم نمی‌رفت. اولین کسی که پیشنهاد چنین کاری را کرد، یکی از تهیه کنندگان میهن دوست و شراقتمند رادیو بود که آن زمان مسؤولیت برنامه‌ی دهقان بر عهده‌ی او بود و عقیده داشت ما باید میکروفون را به مزرعه ببریم و ببینیم دهقان چه می‌گوید و مسائلش را آنجا مطرح کند، نه اینکه اینجا در استودیو بنشینم و خودمان از زبان او حرف بزنیم. که پیشنهاد ایشان قبول شد و از آنجا بود که میکروفون به روستا و میان مردم رفت.

برنامه‌ای هم که مردم با مسؤولین صحبت کنند نداشتیم. فقط یک برنامه‌ای بود که برخی دانشمندان می‌آمدند و در آن

مربیان، زمانش به صبح جمعه منتقل شد و تا دو سال هم ادامه داشت.

و تا قبل از سال ۴۹ که رادیو و تلویزیون به صورت یک سازمان شد نویسنده‌ی من برای این برنامه و سایر برنامه‌ها از بین رفت.

در حقیقت شما بیشتر وقت‌تان را در رادیو صرف نویسنده‌ی کرده‌اید؟

من از سال ۳۷ تا ۴۶ نویسنده‌ی برنامه‌ی کودک و تا سال ۴۸ سردبیر آن بودم. از آن به بعد هم تا سال ۵۷ نویسنده‌ی و گوینده‌ی برنامه‌ی کارگران به عهده‌ام بود. در برنامه‌ی کودک سرپرست ارکستر برنامه و شاعر و آهنگ ساز آن بودم، همچنین برای برنامه‌های «حوانات» و «گلها» هم آشناری می‌ساختم.

فضای کلی رادیو و در حقیقت روابط بین افراد و مدیران تا سال ۵۷ که شما در رادیو بودید، چگونه بود؟

تا زمانی که آقای معینیان در رادیو بود فضای حاکم بر رادیو فضای بسیار خوب و عاری از اختلافات و درگیری‌ها بود. که وجود این جو سبب شده بود همه‌ی افراد از جان و دل برای رادیو کار کنند و خود ایشان هم با مدیریت خوب مراقب اوضاع بود. پادم هست خود من دو سه بار به علت فشار زیاد کاری تقاضای استعفا دادم، اما ایشان هر دفعه مرا نصیحت می‌کرد و می‌گفت ما اینجا کارمند نیستیم بلکه یک سربازیم و موظفیم برای وطن مان خدمت کنیم.

اما بعداً با ورود امنیتی‌ها و وزارت آقای پاک روان، آشننگی‌هایی در رادیو ایجاد شد. حتی یک دفعه از من خواستند که از وضع مملکت شدیداً انتقاد شود. اما من معتقد بودم چنین چیزی امکان ندارد چون رادیو زبان



**در زمان وزارت آقای پاک روان از من خواستند که از وضع مملکت شدیداً انتقاد کنم. اما من معتقد بودم چنین چیزی امکان ندارد، چون رادیو زبان حکومت است و نمی‌شود از طریق رادیو از حکومت انتقاد کرد.**

مردم به محض شنیدن مارش از رادیو، فوری آنرا خاموش می‌کنند و می‌دانند که آن روز رادیو ندارند. برنامه راجوری باید درست کرد که مردم جذب شوند. بهترین امری که ممکن است در برنامه سازی بوجود بیاورند است که مردم فکر کنند شما برنامه را برای خودتان درست می‌کنید، نه برای آنها. به نظر می‌رسد امروز رادیو به اندازه‌ی ساعتی که برنامه پخش می‌کند، مطلب ندارد. یعنی قسمت زیادی از برنامه با نصیحت، حرف و سلام و تعارفات بی‌مورد پر می‌شود. و این یک ایراد مهم است.

□ به نظر شما برای بهتر شدن نمایشنامه‌های رادیویی چه کاری می‌توانیم بکنیم؟

● به طور کلی در نمایشنامه نویسی از چند منبع مهم می‌توانیم استفاده کنیم. اول، استفاده از آثار نویسندگان بزرگ دنیاست و این به خاطر آن است که ما از فرهنگ جهانی بی‌نیاز نیستیم. همانطور که آقای خامنی در آسمان بنای یاد بود «حافظ و گوته» را افتتاح می‌کند، مسلم است که جهانیان هم نیازمند تبادل فرهنگی با ما هستند و ما می‌توانیم این مبادله‌ی فرهنگی را به بهترین وجه از طریق رادیو ارائه کنیم.

● منبع مورد نیاز بعد از آثار نویسندگان خودی و یا به داستان درآوردن تاریخ و وقایع تاریخی مان است. حتی می‌توانیم اتفاقات مذهبی را هم به نمایشنامه درآوردیم. نمونه عالی نمایش سازی مذهبی سریال امام علی (ع) که تماشای آن عین عبادت و زیارت بوده است. شما می‌توانید از تأثیر عمیق این سریال بر مردم بی‌به موفقیّت این امر برباید.

و دیگر، استفاده از افکار و ایده‌های جوانان در نمایشنامه نویسی است؛ تا چیزی بسازیم که مورد نیاز و دلخواه آنها

با هم بحث می‌کردند و گاهی هم بعضی مقامات مملکت می‌آمدند و در مورد کارشان می‌گفتند. اما برنامه‌ای که مردم بتوانند در آن رو در رو با مسؤولین بحث و انتقاد کنند نداشتیم.

□ به نظر شما که چندین سال فعالیت رادیویی داشته‌اید، فکر می‌کنید رادیو از لحاظ ساختاری با قبل از انقلاب تا چه حد متفاوت شده و کلاً در چه مواردی پیشرفت داشته است؟

● اولین نکته‌ای که به نظرم می‌رسد مسأله‌ی بی‌هویتی موسیقی در رادیو است. یعنی موسیقی‌ها کاملاً بدون معرفی پخش می‌شود، در حالی که ما در گذشته، در برنامه‌ی صبح جمعه به بررسی و معرفی موسیقی‌های پخش شده در طول هفته می‌پرداختیم.

نکته‌ی دیگر این است که در بسیاری برنامه‌های رادیو، کماهی با دلفک بازی اشتباه گرفته می‌شود و به جای پرداختن به طنز شاد و دلنشین به لوس بازی و تقلید کاری‌های بی‌لطف و مزه رو آورده می‌شود؛ که به نظر می‌رسد شنوندگان چنین برنامه‌هایی را «مردم بی‌سواد» افراد فاقد تمیز و تشخیص فرض کرده‌اند. در حالی که شنوندگان رادیو از همه قشری هستند و اکثریت قریب به

اتفاق افراد، این گونه برنامه‌های سطح پایینی را نمی‌پسندند. و با پرداختن به تملق‌ها و ستایش‌های افراطی که شاید غرض از این کار جذب شنونده و خوشایند عده‌ای خاص باشد. در حالی که این تصور غلطی است که با زیاده روی در تعریف و تملق شناس معتقدان خود را بالا ببریم. اما باید بدانیم که نتیجه‌ی حاصله کاملاً برعکس است. خاطریم هست زمان ما سرپرست‌های رادیو دائم گوشزد می‌کردند که برای روزهای ملی و میهنی برنامه سازی نکنید، چون

در بسیاری از برنامه‌های رادیو، فکاهی  
 با دلفک بازی اشتباه گرفته می‌شود و به  
 جای پرداختن به طنز شاد و دلنشین به لوس بازی  
 و تقلید کاری‌های بی لطف و مزه رو آورده  
 می‌شود.

باشد.

آن لطمه‌ای به کار و فعالیت فرد نمی‌زند. و همه می‌توانند در

حین انجام کارشان به رادیو هم گوش بدهند.

پس با وجود چنین امتیازی رادیو باید توجه کند که در  
 زمان‌های مناسب اقدام به بخش برنامه‌هایش بکند. چون نمی‌شود  
 گفت در زمان بخش برنامه‌های تلویزیون رادیو سکوت کند. بنحلی اینکه  
 اولاً ممکن است تلویزیون در دسترس همه نباشد و ثانیاً با  
 وجود بودن تلویزیون باز هم عده زیادی شنونده‌ی رادیو  
 هستند. در نتیجه باید برای رو به بهبود رفتن برنامه‌های رادیو  
 تلاش کرد و به عبارت دیگر در آینده، رادیو به هیچ وجه  
 دچار شکست نخواهد شد.

□□□

□ با توجه به تعدد رسانه‌ها که هر کدام به نوعی وظیفه‌ی  
 رادیو را انجام می‌دهند؛ به نظر شما آیا رادیو به سمت مهجور  
 ماندن می‌رود و یا اینکه کارکرد ویژه‌ای در آینده پیدا می‌کند؟  
 ● همان طور که می‌دانید با ظهور سینما همه فکر کردند  
 تأثیر از بین می‌رود همچنانکه با ایجاد تلویزیون این گمان در  
 مورد سینما می‌رفت. در حالی که این طور نشد و هر سه سر  
 جای خودشان باقی ماندند و حتی سینما و تأثیر به کمک  
 تلویزیون آمدند. در مورد رادیو هم همین طور است. رادیو  
 کنار نمی‌رود چون خصوصیتی دارد که دیگر رسانه‌ها از آن  
 بی بهره‌اند. و آن این است که استفاده بردن از رادیو و شنیدن

